

## لزوم بازخوانی مقوله قیاس اقترانی شرطی در قرن اخیر

دکتر لطف‌الله نبوی - چهارمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره بوعلی‌سینا

چهارشنبه ۹۹/۱۲/۶

چهارمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره بوعلی‌سینا با همکاری مرکز فرهنگی شهر کتاب و بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی‌سینا در روز چهارشنبه ۶ اسفند برگزار شد. این نشست به سخنرانی دکتر لطف‌الله نبوی با موضوع «ابن‌سینا و ابداعات تاسیسی - استنتاجی» اختصاص داشت. این درس‌گفتار به صورت مجازی از اینستاگرام شهر کتاب پخش شد.

منطق، علم استدلال و استنتاج است و بنابراین در شناسایی و تمایز «مکاتب منطقی» به ویژه در تاریخ منطق همواره باید به این نکته مهم توجه داشت.

می‌دانیم ارسطو با شناسایی قیاس حملی پایه‌گذار منطق ارسطویی یا منطق محصولات قدیم و خروسپس با شناسایی قیاس شرطی پایه‌گذار منطق رواقی - مگاری یا منطق گزاره‌های قدیم هستند.

از طرف دیگر با نظری عمیق و دقیق به سیر تحولات منطقی و میراث منطقی جهان اسلام درمی‌یابیم که شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا دو نظریه استنتاجی جدید در تاریخ منطق شناسایی نموده که هیچ سابقه‌ای در سنت یونانی ارسطو و رواقیان نداشته و از ابداعات تاسیسی - استنتاجی ابن‌سینا محسوب می‌شود. ابن‌سینا خود بر این ابداع و تاسیس تاکید و تصریح بلیغی دارد. این دو نظریه عبارت‌اند از: نظریه قیاس اقترانی شرطی و نظریه موجهات زمانی. اهمیت صوری این دو نظریه و بسط و گسترشی که به‌ویژه پس از ابن‌سینا یافته‌اند تا آنجاست که این دوره از پژوهش‌های منطقی را می‌توان به دوره‌ی منطق سینوی نام‌گذاری کرد و اهمیت آن را در تاریخ منطق در کنار دیگر مکاتب منطقی مثل منطق ارسطویی و منطق رواقی - مگاری مورد تاکید و تصریح قرار دارد.

### آنچه در پی می‌آید سخنان دکتر لطف‌الله نبوی در این نشست است.

چه رابطه‌ای بین میراث منطقی جهان اسلام که بسیار وسیع و گسترده است با میراث منطقی یونان وجود دارد؟ آیا این میراث منجر به تاسیس یک مکتب منطقی جدید شده است یا خیر؟ شکی نیست که میراث گسترده‌ای در جهان اسلام در حوزه منطق وجود داشته است. آیا می‌توان گفت مکتبی جدید در حوزه منطق و در تاریخ منطق طراحی شده است؟ می‌دانیم در یونان دو مکتب منطقی وجود داشته منطق ارسطویی و منطق رواقی - مگاری آیا مکتب سومی هم در تاریخ منطق در جهان اسلام ظهور پیدا کرده است؟

### تاریخ علم بدون فلسفه علم نابینا است

موضوع علم منطقی بحثی است در حوزه فلسفه منطق. منطق، علم استدلال و استنتاج است و در شناسایی و تمایز مکاتب منطقی به ویژه در تاریخ منطق همواره باید به این نکته مهم توجه داشت. ایمره لاکاتوش روش‌شناس و فیلسوف بزرگ قرن بیستم می‌گوید: فلسفه علم بدون تاریخ علم بی‌محتوا و تهی است. در فلسفه علم همواره باید به تاریخ علم توجه کرد. تاریخ علم بدون فلسفه علم نابینا است. این بحث لاکاتوش درباره‌ی تمام رشته‌های علمی و از جمله منطق صادق است. اگر می‌خواهیم تاریخ منطق را گزارش کنیم و بگوییم در جهان اسلام مکتب جدیدی طرح

و ابداع شده است باید توجه کنیم که موضوع علم منطق چیست و به موارد حاشیه‌ای نپردازم. شکی نیست که موضوع علم منطق استنتاج و استدلال است. در مقوله استنتاج و استدلال آیا میراث منطقی گسترده و وسیعی که در جهان اسلام به وجود آمده منجر به ایجاد یک مکتب جدیدی در مقوله استنتاج و استدلال در منطق شده است. موضوع اصلی منطق استنتاج و استدلال است و به تعبیر قدما حجت است. آیا در مقوله حجت و استنتاج مکتب سومی در جهان اسلام ظهور پیدا کرده است؟

اگر بخواهیم میراث منطقی جهان اسلام را با منطق ارسطویی و رواقی - مگاری مقایسه کنیم باید بدانیم که منطق ارسطویی در مقوله استنتاج پایه‌گذار منطق حملی است و منطق رواقی - مگاری در مقوله استنتاج پایه‌گذار منطق شرطی است. همه قیاسات استثنایی به رواقیون برمی‌گردد و همه صور ضروب حملی و قیاسات حملی به ارسطو برمی‌گردد. اگر در مقوله استنتاج میراث منطقی جهان اسلام در مقام ترجمه و نشر منطق یونان علاوه بر ترجمه و نشر، تقریر و تحریر، تنظیم و تنقیح، تشریح و تبیین، تفریع و تفصیلی نسبت به میراث یونان یا فراتر از آن صورت گرفته باشد آیا می‌توانیم بگوییم مکتب منطقی جدیدی فراتر از مکاتب یونانی ظهور و بروز پیدا کرده است؟ اگر استدلال ارسطویی به استدلال رواقی - مگاری تقریر و تحریر یا تنظیم و تنقیح یا تشریح و تبیین یا تفریع و تفصیل شده باشد آیا می‌توان گفت مکتب منطقی جدیدی فراتر از مکاتب یونانی ظهور و بروز پیدا کرده است؟ قطعاً نه. اگر شما به عبارتی تکرار و تفسیرهای بر کارهای پیشینیان اضافه کردید این به معنای ایجاد مکتب جدید نیست.

#### خروسیوس، بزرگ رواقیون پایه‌گذار منطق رواقی - مگاری

اگر ما تکمیل و توسعه‌ای در میراث گسترده و وسیع جهان اسلام نسبت به میراث یونانی ببینیم، یعنی ابداعات توسعه‌ای و ابداعات تکمیلی وجود داشته باشد آیا می‌توان گفت مکتب منطقی جدیدی ظهور پیدا کرده است؟ البته چنین ابداعات توسعه‌ای در جهان اسلام وجود داشته است و لیستی از ابداعات توسعه‌ای، استنتاجی در جهان اسلام نسبت به میراث یونان هست که همه توسعه و تکمیلی بر میراث ارسطو و رواقیون است. خروسیوس، بزرگ رواقیون با شناسایی منطق ارسطویی و قیاس شرطی پایه‌گذار منطق رواقی - مگاری یا منطق گزاره‌های قدیم است. سیاهه بالا بلندی از این توسعه را در مقوله استنتاج در جهان اسلام می‌بینیم. به عنوان نمونه: تنظیم جدید قالب قیاس، تقدم صغری بر کبری، استخراج شرایط انتاج شکل چهارم قیاس حملی، تکمیل تقریر اثباتی قیاسات حملی، تحلیل قضایای حملیه و نقش آن در استنتاج، نسب اربعه و نقش استنتاجی آن در منطق حملی، بسط روابط استنتاجی شرطیات اتصالی و انفصالی، تاملات بیشتر در رابطه بین استقراء و تجربه ابداعات توسعه‌ای و بسیار ارزشمند هستند.

پرسش این است که این توسعه و تکمیلی بر چیست؟ بر ارسطو، خروسیوس و رواقیون؟ آیا چنین توسعه و تکمیلی مجوز کافی و وافی به ما می‌دهد که بگوییم مکتب جدیدی خلق شده است؟ به نظر بنده خیر. هر چند که این ابداعات توسعه‌ای بسیار مهم و ارزشمند است. دلیل آن ساده است برای این که این تکمیل و توسعه روی درختی انجام شده که توسط ارسطو و رواقیون نشانده و کاشته شده است گرچه شاخه و برگ و میوه جدیدی به آن اضافه کردید اما روی همان درخت پیشینیان انجام شده؛ همان درخت ارسطو و رواقی - مگاری و حق نداریم و همچنین مجوز نداریم که بگوییم مکتب منطقی جدیدی ظهور پیدا کرده است. آن هنگام می‌توانیم بگوییم مکتب منطقی جدیدی ظهور کرده که علاوه بر این موارد تاسیس و تاصیل نظام منطقی جدید و اساس و اصول جدیدی داشته‌ایم. به عبارتی دیگر یک درخت جدیدی داشته باشیم با ریشه‌ها و شاخه‌ها و میوه‌های خاص خودش. آیا چنین تاسیس و تاصیلی اصل‌گذاری در جهان اسلام و در مقوله استنتاج صورت گرفته است؟ جواب من مثبت است. بسیاری از افراد صحبت از مکتب جدیدی در جهان اسلام می‌کنند و عمدتاً به مسایل فرعی توجه می‌کنند و به مساله اصلی که استنتاج و به ویژه ابداعات تاسیسی و تاصیلی کمتر توجه می‌شود.

**ابداعات تاسیسی - استنتاجی ابن سینا با ریشه‌های جدید**

ما باید به موضوع اصلی منطق توجه کنیم و در شناسایی مکاتب تاریخی به آن مقوله عنایت داشته باشیم. در بین نظریاتی که از جانب ابن سینا در میراث ابن سینا می‌بینیم دو نظریه مهم استنتاجی است که این ابداعات و نظریات کاملاً تاسیسی است. ابداعات تاسیسی - استنتاجی در منطق که موضوع اصلی است و ابداعات توسیعی - تکمیلی بسیار مهم است ولی تکمله‌ای بر درخت پیشینیان است. ابن سینا درخت جدیدی کاشت با ریشه، تنه و شاخه‌های جدید و میوه‌های جدید.

نظریه قیاس اقترانی شرطی و نظریه موجهات زمانی دو نظریه مهم در میراث ابن سینا است که ابداعات تاسیسی - استنتاجی هستند: نظریه قیاس اقترانی شرطی و نظریه موجهات زمانی. ابن سینا خود بر این ابداع خود در حوزه نظریه قیاس اقترانی شرطی تأکید بلیغی دارد و دایماً و کراراً در کتاب‌های خود تأکید می‌کند که این ابداع تاسیس و تاصیل من است و من پایه‌گذار آن بوده‌ام. وی در کتاب دانشنامه علایی به زبان فارسی دری می‌نویسد: «یکی قیاسی است از جمله قیاس‌های اقترانی غریب که من بیرون آوردم.» در جای دیگر در اشارات و تنبیها عبارت‌هایی به زبان عربی دارد و می‌گوید: «عموم منطق دانان تنها به ذکر قیاس حملی پرداختند (منظور منطق دانان ارسطویی است) و قیاس شرطی را نیز در قیاسات استثنایی منحصر دیدند (قیاسات استثنایی میراث رواقیون است) در صورتی که قیاس اقترانی گاهی تنها از قضایای حملی و گاهی تنها از قضایای شرطی و گاهی از هر دو تشکیل می‌شود.»

می‌تواند قضایای اقترانی ناظر بر شرطی باشد، شرطی هم می‌تواند متصله یا منفصله باشد، اقترانی می‌تواند از یک شرطی و یک حملی تشکیل شده باشد. این همان قیاس اقترانی غریب است که بعدها نامش قیاس اقترانی شرطی می‌شود. ابن سینا بر ابداع تاسیسی - استنتاجی خود در مقوله قیاس اقترانی شرطی تأکید بلیغ و تصریح بسیار بارزی دارد. باید توجه داشت که در مرحله اول، ابن سینا با تأمل در مقوله قیاس خلف ارسطویی موفق به طراحی قیاس اقترانی شرطی شده است یعنی خاستگاه اولیه‌اش بستر اولیه ایجاد نظریه تحلیل برهان خلف است.

بعدها این نظریه از خاستگاه ایجاد خود مستقل می‌شود و بالغ و رشید می‌شود و به نظریه کاملی تبدیل می‌شود. خاستگاه اولیه و بستر اولیه ایجاد قیاس اقترانی شرطی برهان خلف است. ابن سینا در دانشنامه علایی می‌گوید: «قیاس خلف مرکب است از دو قیاس، یکی قیاسی است از جمله قیاس‌های اقترانی غریب که من بیرون آورده‌ام و یکی قیاس استثنایی... و ارسطاطالیس اشارت بدین کرده است که من خواهم گفتن ولیکن این مقدار گفتنست که خلف از شرطی است پس پدید کردن آن که خلف از شرطی است این است که من خواهم گفتن.» او بر نقش ابداعی خودش در مقوله قیاس اقترانی شرطی تأکید می‌کند. خاستگاه اولیه قیاس اقترانی ابن سینا تحلیل منطقی برهان خلف است هر چند بعدها این نظریه بالغ و کامل می‌شود و از بستر ایجاد فاصله می‌گیرد.

ابن سینا تأکید می‌کند که قیاس اقترانی شرطی کار من است و ارسطویان و رواقیون به این بحث نپرداخته‌اند. ساختاری از قیاس اقترانی شرطی که در برهان خلف است به این شکل است که اگر هر الف ب است هر ج د است می‌دانیم هر د ز است بنابراین اگر هر الف ب است بنابراین هر ج ز است. فعلاً سوره‌های کلی و جزئی هم وجود ندارد. یعنی در مقوله برهان خلف نیاز به سور نداریم. آیا این استنتاج یک قیاس حملی است و یکی از ضروب اشکال چهارگانه ارسطو است؟

می‌دانیم اشکال چهارگانه ارسطو در باب حملیات است. آیا از قیاسات استثنایی است که رواقیون مطرح کردند؟ قیاسات استثنایی یا وضع مقدم است یا رفع تالی یا قیاس انفصالی است و این هیچ کدام نیست. این ساختار یک

ساختار جدید استنتاجی است که نامش قیاس اقترانی شرطی است که از دل تحلیل برهان خلف به دست می‌آید. آرام آرام نظریه قیاس اقترانی شرطی بالغ و رشید می‌شود و در دوران رشد و بلوغش دیگر نیازمند خاستگاه اولیه که برهان خلف است، نیست و به عنوان یک نظریه تاسیسی استنتاجی جدید به آن نظر می‌شود و دیگر وابسته به آن بستر ایجاد خود نیست. این ساختار استنتاجی نه در ارسطو است و نه در خروسیپوس نه در ارسطویان و نه رواقیون نه حملی و نه استثنایی است. کاملاً جدید است و آرام آرام بالغ می‌شود و هویت جدیدی می‌یابد. یک گستره وسیعی می‌یابد. سور می‌یابد. در تحلیل برهان خلف سور نیاز ندارد اما وقتی مستقل و بالغ می‌شود ابن سینا سورهایی به آن اضافه می‌کند و شکل‌های مختلف می‌یابد به جای این‌که متصله باشد می‌تواند منفصله شود و یا به شکل‌های دیگری باشد. به این شکل این نظریه بلوغ می‌یابد و رشد پیدا می‌کند. حال رشد آن به چه شکل است؟ می‌تواند متصله - متصله یا منفصله - منفصله یا متصله - منفصله یا متصله - متصله و منفصله - متصله باشد. این‌ها پنج نوع قیاس اقترانی شرطی را تشکیل می‌دهند که همگی جدیدند و ابداع تاسیسی - استنتاجی است. حالا هر کدام از این پنج نوع می‌توانند اقسامی بیابند. قیاس اقترانی شرطی پنج نوع دارد و یازده قسم می‌یابد و هر کدام از این اقسام به صوری و هر کدام از این صور به اشکالی و هر کدام از این اشکال به اصنافی و هر کدام از این اصناف به ضروبی تقسیم می‌شوند. خواجه نصیر طوسی در کتاب اساس الاقتباس که به زبان فارسی است ۳۰ صفحه از کتاب را به بسط این نظریه اختصاص می‌دهد. و این اصطلاحات در این کتاب آمده است: نوع، قسم، صورت، شکل، صنف و ضرب. با یک محاسبه دم دستی بر اساس کتاب اساس الاقتباس متصله - متصله ۱۲۲۸۸، منفصله - منفصله ۷۶۷، متصله - منفصله ۳۰۷۲، متصله - حملیه ۴۶۰۸ و منفصله - حملیه ۳۶۴۸ ضرب می‌یابد یعنی این نظریه ۲۴۳۸۴ ضرب دارد. یک نظریه ابداعی - استنتاجی - تاسیسی که هیچ سابقه‌ای در بین رواقیون ندارد.

ما در قرن ۲۱ هستیم و این میراثی است که از قرن چهارم به بعد تولید شده و تا قرن ششم کمال پیدا کرده است و یک مکتب و نظریه استنتاجی جدید به وجود آورده است. ما باید بتوانیم مقوله قیاس اقترانی شرطی را پس از بازخوانی، بازبایی، نهایتاً ارزیابی کنیم و این همه را باید در پرتو منطق جدید انجام بدهیم. با همان ابزار کلاسیک نمی‌توان به سراغ این نظریه رفت. فرگه در مقدمه کتاب مفهوم‌نگاری، منطق جدید را به میکروسکوپ تشبیه کرده است که از ورای آن می‌توان بسیاری از ظرایف و دقایق را دید که با چشم غیرمسلح قابل رویت نیست.

نیکولاس رشر برای اولین بار تلاش کرد که مقوله قیاس اقترانی شرطی را در چارچوب منطق جدید بازخوانی کند. او در مقاله مشهور خود با نام ابن سینا و منطق قضایای شرطی می‌نویسد: بنابراین ما درمی‌یابیم که ابن سینا سبک سورپردازی دئودورس کرونوس را که برای قضایای شرطی ارائه شده بود به قضایای انفصالی نیز سرایت داده است. لکن تا آنجا که من پی جویی کرده‌ام ابن سینا اولین نویسنده‌ای در تاریخ منطق است که تحلیل کاملی از قضایای شرطی و انفصالی ارائه کرده است که کمیت و کیفیت را از هم متمایز کرده است. برای اولین بار نظریه کاملاً منضبطی از منطق قضایای فصلی و شرطی به وضوح در رسائل منطقی ابن سینا طراحی شده است.

